پخش «درحاشیه۲» با غیبت مدیری بازیگر

گروه ادب و هنر| از امشب فصل دوم سریال «در حاشیه» به کارگردانی مهران مدیری ساعت ۲۰:۴۵ از شبکه سوم سیما پخش می‌شود. این بار داستان از یک اردوگاه شروع می‌شود که پزشکان خلافکار به آنجا منتقل شده‌اند. «در حاشیه ۲» با تعدادی از بازیگران اصلی (سیامک انصاری، جواد رضویان، مهران غفوریان و نصرالله رادش) ساخته و پخش می‌شود. جالب است در این قسمت مهران مدیری و محمدرضا هدایتی و علی اوجی حضور ندارند و بعضی از بازیگران زن هم فقط در ملاقات‌هایی در زندان دیده خواهند شد. همچنین قرار است در این سری شخصیت‌هایی از خلافکاران تازه و حتی یک مفسد اقتصادی در داستان حضور داشته باشند.

کافه کتاب

آوازهای غمگین اردوگاه

مهستی محبی
داستان نویس

«آوازهای غمگین اردوگاه» نوشته شرمن الکسی، نویسنده معاصر آمریکایی با ترجمه عالی سعید توانایی چاپ سال ۱۳۹۴ در نشر ستاره سبز رمانی جذاب و صمیمی است، براساس بازتاب اسطوره‌های سرخپوستی و گریزشان از مدرنیته و فرهنگ سلطه‌طلبانه غرب که اسطوره نو موسیقی راک را می‌آفرینند. بزرگ مادر سرخپوستان در کشتار جمعی اسب‌های سرخپوست عزاداری می‌کند تا اسب‌ها از نو در هیئت نوازندگان راک زنده شوند. رابرت جانسون که توسط «آقا» در قبال گرو گذاشتن آزادیش محکوم به نواختن گیتار می‌شود، تنها با وانهادن آن به یک گروه راک سرخپوستی از جادو رهایی می‌یابد تا سه مرد و دو زن سرخپوست در ترانه‌هایی زیبا و دردناک که در ابتدای هر فصل می‌آید به نبردی دیگر برای رهایی از سلطه سرمایه‌داری دست یازند. آنان درنهایت به دست همان ژنرال‌های نسل‌کش سرخپوستان که حالا در پی بهره‌برداری از موسیقی سرخپوستان هستند به سمت مرگ، خودکشی الکلیسم و کناره‌گیری و اضمحلال رانده می‌شوند. این کتاب، کتابی جذاب است که در هر پاراگرافش قصه‌ای گفته و شعری سروده می‌شود. خواندن این رمان را به همه دوستان توصیه می‌کنم.

آوازهای غمگین اردوگاه
نویسنده: شرمن الکسی
مترجم: سعید توانایی
ناشر: روزنه
چاپ ۱۳۹۴

گزارش اول

«هری پاتر: یادگاران مرگ»، «بازی‌های گرسنگی» و «بادبادک‌باز» سه رمان برتر قرن بیست و یکم شدند

خالد حسینی در صدر نویسندگان جهان

سیدحسین رسولی
H.Rasouli@FDN.IR

شبکه فرهنگی و ادبی «Goodreads» (گودریدز) که میلیون‌ها نفر از عاشقان کتاب و کتابخوانی در آن عضو هستند آثار برتر قرن بیست و یکم را انتخاب کرده‌است. نکته حیرت‌انگیز حضور خالد حسینی نویسنده افغانستانی الاصل ساکن آمریکا است که توانسته با کتاب «بادبادک باز» در این فهرست بلند بالا در رده سوم قرار گیرد. این رمان که نخستین رمان انگلیسی زبان یک افغان است در سال ۲۰۰۷ به رشته تحریر درآمده است. پیرنگ این کتاب به زندگی امیر که یک نویسنده افغان ساکن کالیفرنیا است می‌پردازد که برای کمک به یک کودک افغان راهی این دیار می‌شود و با حوادث گوناگونی در گیرودار زندگی مردم در دوران سیاه حکومت طالبان روبه‌رو می‌شود. البته در این کتاب شاهد گوشه‌هایی از جنگ حکومت شوروی با مسلمانان هستیم که در کنار عشق‌های دوران کودکی روایت می‌شوند. این داستان در ایران با ترجمه‌های فراوانی به بازار کتاب عرضه شده است. این رمان ۴۱۶ صفحه‌ای با ترجمه پریسا سلیمان‌زاده و زیبا گنجی همزمان با انتشار بین‌المللی آن در ایران ترجمه شده و توسط نشر مروارید به بازار آمده است. این رمان با استقبال بی‌نظیر مخاطبان روبه‌رو شد و در نتیجه انتشارات دیگر و مترجمان دیگر به سراغ آن رفتند و حتی دانشگاهیان مقالات و پایان‌نامه‌های فراوانی در مورد آن نوشتند. مهدی غبرایی از مترجمان قدیمی نیز همزمان با استقبال کتابخوانان ایرانی از خالد حسینی به سراغ ترجمه آثار او رفت و رمان «بادبادک باز» و «هزار خورشید تابان» و «ندای کوهستان» را در نشر ثالث روانه بازار کتاب کرد. البته مترجمان دیگری نیز این کتاب را ترجمه کرده‌اند. جالب است که از این رمان پرطرفدار یک فیلم سینمایی با بازی همایون ارشادی نیز ساخته شده است. مارک فوستر این فیلم را در همان سال انتشار این کتاب ساخت و با واکنش مثبت علاقه‌مندان روبه‌رو شد. البته دو کتاب اول این فهرست (هری پاتر: یادگاران مرگ) و (بازی‌های گرسنگی) نیز در ایران و سایر نقاط دنیا با استقبال کافی روبه‌رو شدند و همچنان فروش خوبی دارند.

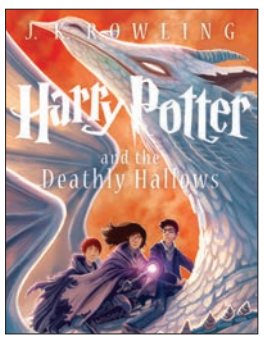

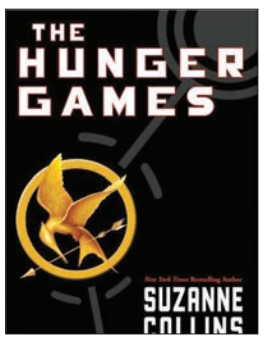

سینما

تنها انیمیشن عاشورایی در جشنواره فیلم فجر

گروه ادب و هنر| «ناسور» عنوان تنها انیمیشنی است که در سی و چهارمین جشنواره فیلم فجر به نمایش درمی‌آید. این نمایش با موضوع حماسه عاشورا توسط کیانوش دالوند ساخته شده است. دالوند فیلمنامه «ناسور» را براساس مضمون انتخاب نوشته و موقعیت افراد در مواجهه با انتخاب را در حماسه عاشورا مورد ارزیابی قرار داده است. دالوند که قبل‌تر ساخت انیمیشن «رستم و سهراب» را در کارنامه خود داشت در مورد توجه به هنر و صنعت انیمیشن گفت: «حجت‌الله ایوبی، رئیس سازمان سینمایی سال ۱۳۹۴ را سال توجه به هنر و صنعت انیمیشن عنوان کرده است. بنابراین سی‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر بهترین فرصت برای دیده شدن این هنر و صنعت است. انیمیشن در صنعت سینمای دنیا جایگاه ویژه‌ای دارد، اما در ایران به جایگاه واقعی خود دست نیافته، بنابراین توجه ویژه به این هنر و صنعت از سوی مدیران سینمایی ضروری است. جشنواره فیلم فجر ویترین سینمای ایران است و باید گونه‌های مختلف سینمایی در این رویداد حضور داشته باشند، ولی متاسفانه فیلم انیمیشن که نوعی تکنیک در روایت داستان به شمار می‌آید، کمترین سهم را در این ویترین سینمایی داشته است.»

خبرچین

«باران سیاه» بهترین رمان جنگی ژاپن

گروه ادب و هنر| مجتبی گلستانی در جلسه نقد و بررسی کتاب «زن در ریگ روان» به قلم کوبو آبه نویسنده بزرگ ژاپنی که در سی و چهارمین جلسه از سری نشست‌های نقد با حضور جمعی از نویسندگان و مترجمان در سرای محله داوودی برگزار شد، گفت: «در ژاپن «باران سیاه» را بهترین رمان ژاپنی در مورد جنگ و مسائل حول و حوش آن و بمباران هسته‌ای می‌دانند. هرچند به نظر من موراکامی و ایشی گورو بیشتر از آنکه ژاپنی باشند، غربی هستند که یک علت آن نوشتن به زبان انگلیسی است که ملزومات و کدهای خودش را می‌خواهد.» رمان باران سیاه به قلم ماسوجی ایبوسه با ترجمه قدرت‌الله ذاکری در اختیار فارسی‌زبانان قرار گرفته است.

کتاب ایرانی

هوای ناپاک و خرید کتاب

گروه ادب و هنر| تهران روزهای آلوده و پر از نفس تنگی را می‌گذراند و بسیاری از مردم تنها برای کارهای ضروری خود به بیرون از خانه می‌روند. اما همچنان کتابخوان‌ها از بازار کتاب استقبال می‌کنند و به خیابان‌هایی مانند انقلاب و کریم‌خان زند می‌روند و به کتابفروشی‌ها سر می‌زنند تا بتوانند آثار مورد علاقه خود را خریداری کنند. ولی هنوز حضور فیزیکی در کتابفروشی جزء لذت بخش‌ترین کنش‌های فرهنگی است. این روزها کتاب‌هایی مثل «در باغ حیوانات» از اریک لارسن با ترجمه احمد عزیزی، «بی‌نازنین» کیوان ارزاقی، «احمق‌های چلم و تاریخ‌شان» نوشته آیزاک بشویتس سینگر با ترجمه پروانه عروج‌نیا، «ملت عشق»، «جزء از کل» و «هنر شفاف اندیشیدن» جزء پرفروش‌ها بوده‌اند.

گفت‌وگو با حسن وارسته نویسنده برنامه ترکیبی «سه شو»

موقعیت آفرینی برای حامی مالی

مهربانو ابدی‌دوست
m1.abadidost@fdn.ir

مهران غفوریان

جواد رضویان

حمید لولایی

«سه شو» عنوان برنامه ترکیبی‌ای است که پخش آن از پنجشنبه هفته گذشته از شبکه سوم سیما آغاز شده است. جواد رضویان برای کارگردانی همین برنامه بود که در اواسط طنز تلویزیونی «در حاشیه دو» از مهران مدیری جدا شد تا این مجموعه را دچار حواشی رسانه‌ای کند. تولید «سه شو» حدودا پنج ماه پیش به دلیل بی‌برنامگی عوامل تولید متوقف شده بود که بعد از تغییرات زیاد در عوامل تولید دوباره ساختش از سر گرفته شده است. این برنامه کپی برنامه‌هایی است که در زمینه بازیگری و خوانندگی استعدادیابی می‌کنند. در این برنامه مریم سعادت، حمید لولایی، مهران غفوریان و یکی دو بازیگر سرشناس تلویزیونی در حوزه طنز با رضویان همکاری می‌کنند. حسن وارسته، فیلمنامه‌نویس مجموعه‌های «پایتخت» نویسندگی این کار را به عهده دارد. با این نویسنده و کارگردان تئاتر و تلویزیون به بهانه پخش «سه شو» به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

از «پایتخت» چه خبر؟ آیا شما با این گروه همچنان همکاری دارید؟

هیچ خبری ندارم. راستش من آنقدر سرم شلوغ است که نمی‌دانم می‌توانم به آن تیم کمک کنم یا نه. تا حالا که هیچ خبری نشده است.

مشغول چه کاری هستید؟

در حال نگارش سریال‌هایی برای مرکز گسترش فیلمنامه‌نویسی هستم که مسئولش امین صدیقی، مشاور محمد سرافراز است. یکی از سریال‌ها نامش «پاداش سال نو» است که در مورد برگزاری جشنواره نوروزگان اقوام ایرانی در پایتخت است. دو، سه جوان بیکار و مدعی طی حوادثی ناخودآگاه جزء ستاد اجرایی یک جشنواره می‌شوند که در مواجهه با اقوام ایرانی موجب بروز خطاهایی می‌شوند. این سریال فضایی نوروزی دارد و به لحاظ نوع روایت، کار نو و بکری است. در حال حاضر پنج قسمت از فیلمنامه نگارش اولیه شده است.

مجموعه دیگری هم دارید؟

یک سریال دیگری هم هست که مجموعه تقریبا فصلی است، منتها فعلا ۲۶ قسمت اول مشخص شده است. برای این سریال ۴۰ قصه آماده کرده‌ایم. فعلا «دنگ و فنگ روزگار» نام دارد. این سریال در مورد یک خانواده از توابع شهر کرد است که کارشان چلنگری (آهنگری قدیمی) است. این سریال هم در مرکز گسترش فیلمنامه‌نویسی در حال نوشتن است.

قضیه این مرکز گسترش فیلمنامه‌نویسی در تلویزیون چیست که در دوره رئیس جدید راه‌اندازی شده است؟

این مرکز سعی دارد با الگو و استانداردهای فیلمنامه‌نویسی دنیا جلو برود. نه اینکه مثلا بگویند یک ماه دیگر رمضان است برای همین همزمان با تولید، فیلمنامه نوشته شود. طبق این برنامه فیلمنامه ابتدا در مرکز گسترش فیلمنامه‌نویسی آماده می‌شود. این کار در همه دنیا مرسوم است. اینکه اول فیلمنامه نوشته می‌شود، سپس براساس فیلمنامه، تهیه‌کننده و کارگردان مشخص می‌شود. چون ما شاهد هستیم که کارگردانانی داریم که هم کار پلیسی و هم کار کودک و هم کار ماه رمضانی و هم کار طنز انجام می‌دهند.

یک برنامه ترکیبی به نام « سه شو» در حال پخش است که شما نویسنده آن هستید. همکاری شما به چه صورت شکل گرفت؟

این برنامه، برنامه‌ای ترکیبی است که جواد رضویان تمایل دارد گرایش به فضاهای نمایشی داشته باشد و در مورد مهارت‌ها و سبک زندگی باشد. البته «سه شو» برای گروه اجتماعی شبکه سه با موضوعاتی که جامعه ما با آن درگیر است، ساخته شده است. در واقع این برنامه نقدی است به رفتارهای فردی و اجتماعی خانواده‌مان به زبان طنز. من و آرش قادری در این مجموعه بودیم و وقتی نگارش سریال‌های «دنگ و فنگ روزگار» و «پاداش سال نو» به‌طور جدی‌تر شروع شد حضورم در برنامه ترکیبی سه شو کمرنگ‌تر شد.

شما چند درصد این برنامه را نوشته‌اید؟

کار ۷۰ تا ۸۰ قسمت است. ما تا ۱۵ قسمت بودیم. الان هم البته همکاریمان قطع نشده، بلکه کمرنگ‌تر شده است. آنها از ما قول گرفته‌اند زمانی که سرمان خلوت شد و تعهدات کارهای‌مان را انجام دادیم، دوباره به جمع‌شان ملحق شویم.

> این سریال فضایی نوروزی دارد و به لحاظ نوع روایت، کار نو و بکری است. در حال حاضر پنج قسمت از فیلمنامه نگارش اولیه شده است

برنامه‌های ترکیبی تلویزیون ایرانی اصولا کم کم مخاطب‌شان را از دست می‌دهند مگر در موارد استثنایی. با وجود جواد رضویان و مهران غفوریان و بیژن بنفشه‌خواه و... که همگی جزء بازیگران طنز هستند آیا می‌توان حدس زد که برنامه «سه شو» مخاطب را پای تلویزیون نگه دارد؟

تمام تلاش اتاق فکر مجموعه فراهم آوردن شرایطی است که شما می‌گویید. سعی شده است از یک‌سری ترفندهای روز و بجا استفاده شود برای جنبه‌های بصری و چیزهایی که باعث می‌شود برنامه جذاب شود.

حسن وارسته

رایج شده است که به بهانه کمبود بودجه، برنامه‌های ترکیبی به سفارش حامیان مالی و دخالت آنها ساخته می‌شود. برنامه «سه شو» هم گویا خارج از این روال نیست و حامی مالی دارد. حالا با وجود حامی مالی دست شما نویسنده‌ها چقدر در نوشتن متن بسته می‌شود؟

اصولا روال کار این است که حامی می‌گوید فلان حرف را برای من بنویسید و ما یک پلاتو می‌نویسیم برای مجری. مجری هم بر حسب تعهدی که دارد، شاید وسط برنامه در مورد آن چیزی که خواست حامی مالی است، صحبت کند. این کار جزء وظایف ما نیست، ولی مثلا در سریال «پایتخت» به ما می‌گفتند تاچ که حامی مالی است، این خواسته را دارد و ما مجبور بودیم برایش سکانس تعریف کنیم. یا مثلا در پایتخت ۳ ما مجبور بودیم برای اطلس مال موقعیت بتراشیم و شخصیت‌هایمان تا پروژه اطلس مال هم بروند ولی در برنامه «سه شو» از ما درخواست علنی نداشتند.

شما برای مجریان چقدر دیالوگ نوشتید؟

ما اگر در مورد غیبت یا مثلا در مورد تخریب اموال عمومی به زبان طنز چیزی نوشته‌ایم شاید مجری‌ها به جهت اینکه بازیگر هم هستند لابه‌لای تخریب اموال عمومی یک مثال بیاورند که مثلا شیر پارک را خراب نکنید. منظورم این است که با بداهه یک چیزی بگویند که تعهدشان را انجام دهند، ولی به ما چیزی گفته نشده است.

علت کمبود این نوع برنامه‌ها در تلویزیون چیست؟

ما در دوره سخت اقتصادی به سر می‌بریم. این ماجرای اقتصادی نه‌تنها گردن تلویزیون، بلکه دامان همه جریان‌های اقتصادی کشور را گرفته است. مسائل اقتصادی تمام فعالیت‌های کشور را؛ چه هنری و چه صنعت تحت تاثیر قرار داده است. همه ما در شرایط یکسان هستیم. بنابراین باید مدارا کنیم تا کشور از این برهه خارج شود.

یادداشت

دعوت به خواندن رمان «طلابازی» نوشته امیرحسین شربیانی

از طلا گشتن...

شهره احدیت
داستان‌نویس

«طلابازی» نخستین رمانی است که از امیرحسین شربیانی منتشر شده است. شربیانی را با وبلاگ و بعد سایت دوشنبه می‌شناسم. وقتی در شهرستان زندگی می‌کنی سایت هایی مثل دوشنبه و خوابگرد و... تو را وصل می‌کنند به رویدادهای ادبی و فرهنگی و این غنیمت یعنی می‌توان دور بود؛ اما از همه چیز خبر داشت. «طلابازی» را به خاطر نویسنده اش شروع کردم و به خاطر روانی نثر و روایت با لذت خواندم. رمان از فضایی تقریبا غیرمتعارف شروع می‌شود: بازار و یک مغازه طلافروشی و جوانی که نمونه بسیاری از جوان های ماست. آدمی که دوست دارد زندگیش را از مس به طلا تبدیل کند و می‌خواهد تمام تلاشش را بکند تا بتواند به ساعت رولکسی که دوست دارد روی دستش باشد و نیست و ماشین بنزی که در سال های دور زیر پای پدربزرگش بوده و به خاطر اشتباهات پدر دیگر نیست، برسد. (البته جدیدترین مدلش)

«حتم داشتم زیباخانم هم یک روزی سوار بنز باباجلی شده. جد بزرگ‌مان رفته بود دنبالش و در مرسدس پونتون ۱۸۰ را برایش باز کرده بود... .

هیچ ماشینی به پای این بنز نمی رسد. هیوندا در تبلیغش گفته بود کم مصرف و ارزان. مرسدس بنز هم زده بود: با حسرت از دنیا نروید.» شاید «شازده‌احتجاب» اولین رمانی نباشد که از زوال یک خاندان حرف می‌زند اما بی شک تاثیرگذارترین است و بعد از آن نویسنده‌های دیگری هم تلاش کرده اند تا به این مقوله که البته از مقتضیات جامعه مدرن است، بپردازند؛ اما نگاه جزئی نگر شربیانی و پرداختن به ریزه کاری های شخصیت پیمان و حرفه او رمان را متمایز می‌کند؛ اگرچه به نظرم کاش این حساسیت در مورد شخصیت‌های اشکان و مادر هم به کار می‌رفت. «طلابازی» اگرچه به درگیری ازلی ابدی پدران و پسران اشاره دارد؛ راوی برخلاف دیگران همراه مادر هم نیست. او می‌خواهد زندگی خودش را بسازد. پیمان جوان امروزی این سرزمین است و تورج (پدر پیمان) یکی از هم‌نسلان من که چون نتوانسته به آرمان هایش برسد همه‌چیزش را باخته است. تورج انگار عاشق باختن است. نسلی که همه باخت ها را به جان خرید و خودش اسمش را فداکاری گذاشت. کتاب نثر روانی دارد با نگاهی دقیق و احاطه ای کامل به اصطلاحات طلاسازی که داستان را در ۱۷روز روایت می‌کند. راوی آدم پرحرفی است که خیلی هم ثبات ندارد و آنقدر در مشکلات زندگی پدر و مادر غرق است که در مقابل اشکان اعتمادبه‌نفسش را از دست می‌دهد. او آدم تنهایی است با آرزوهای بزرگ که همه‌کس را هم قابل دوستی نمی داند و با امید رفتاری کاملا متفاوت دارد. پرداخت نویسنده به فضاهایی مثل خانه اشکان، پاتوق تورج، خانه زهرا و... از نقاط قوت کار است که مخاطب را با خود همراه می‌کند. نویسنده در ماجراهای فرعی رمان تعلیقی گذاشته که گاه دل مخاطب را بلرزاند که در همین حد باقی می‌مانند. نکته دیگر استفاده از واژه هایی مثل فیک و اصل است که این روزها ذهن خیلی ها را به خود مشغول کرده است. پیمان جوانی امروزی است که برخلاف نسل قبلی اش تورج به اصل بودنش می‌نازد. او برای تاکید بر مطالبش یا سوگندخوردن از الماس دریای نور مایه می‌گذارد که به ساخت لحن راوی کمک می‌کند و به شیرینی روایت می‌افزاید. «آقاپیمان فکر کنم داریم مورچه می‌شویم» کتاب با این جمله آغاز می‌شود که اصطلاحی است بین پیمان و شاگردش که روی جلد کتاب هم نشسته است.

طلابازی
نویسنده: امیرحسین شربیانی
ناشر: چشمه
چاپ ۱۳۹۴

> کتاب نثر روانی دارد با نگاهی دقیق و احاطه‌ای کامل به اصطلاحات طلاسازی که داستان را در ۱۷روز روایت می‌کند. راوی آدم پرحرفی است که خیلی هم ثبات ندارد و آنقدر در مشکلات زندگی پدر و مادر غرق است که در مقابل اشکان اعتمادبه‌نفسش را از دست می‌دهد